



کسانی که بابک زنجانی را درست کرده‌اند باید شرمند باشند

کسانی باید شرمند باشند که فساد را در کشور نهادینه کردند. کسانی باید شرمند باشند که بابک زنجانی درست کردند و دکل نفتی را گم کردند.

معاون اول رئیس‌جمهور:

کسانی که بابک زنجانی را درست کرده‌اند باید شرمند باشند

کسانی باید شرمند باشند که فساد را در کشور نهادینه کردند. کسانی باید شرمند باشند که بابک زنجانی درست کردند و دکل نفتی را گم کردند.

این جمله طلایی و بی‌سابقه‌ای است که اسحاق جهانگیری، صبح دوشنبه در هفدهمین همایش ملی معرفی واحدهای صنعتی و خدماتی سبز بیان کرد. بی‌سابقه از آن جهت که معاون اول رئیس‌جمهور استثنائاً حرف درستی زد و به یکی از مهم‌ترین عوامل فساد در کشور یعنی ریشه‌های مفاسدی چون بابک زنجانی اشاره می‌کند که از قضا باید آن را در پدر معنوی حزب متبوع جهانگیری یعنی کارگزاران سازندگی دنبال کرد.

اما چرا جهانگیری چنین حرفی زد و چه عاملی باعث شد که او ناخواسته به شرایطی برسد که چنین حرفی از دهانش خارج شود و موجب رو شدن دست دولت یازدهم و هاشمی رفسنجانی بشود؟! ماجرا از آنجا شروع شد که احمد توکلی در سخنانی گفته بود؛ دولت از اینکه انتشار شاخص رشد اقتصادی را محرمانه کرده و اعلام نمی‌کند، باید شرمند باشد. این سخن حق، که توکلی در مقام نمایندگی مردم به زبان آورد مثل هر انتقاد دیگری برای دولتمردان قابل تحمل نبود و سبب شد که معاون اول رئیس‌جمهور واکنشی انفجاری به آن نشان دهد و آن قدر عصبانی شود که ناخواسته علیه روحانی و هاشمی هم حرف بزند! در آن جلسه، جهانگیری با ابراز تاسف از اینکه برخی گفته‌اند دولت در انعکاس یکی از شاخص‌های اقتصادی در سه ماهه گذشته تعلل داشته و باید از این بابت شرمند باشد، گفت: «البته تذکر لازم است و ما به دنبال شفافیت هستیم تا آمار مورد نیاز مردم را در اختیارشان قرار دهیم اما کسانی که این تعبیر را به کار می‌برند، خودشان باید شرمند اقداماتی باشند که کشور را به دست ویرانی می‌سپرد... آقایان در کشور ما کل پول نفت را بردند، خرج کردند و بدهی‌های سنگین به بار آوردند» و بعد در حالی که سخنی از میزان ذخیره موجود در صندوق توسعه ملی نمی‌گفت، در اظهارنظری که حاکی از بی‌اطلاعی از میزان بدهی دولت، آن هم بعد از سی ماه از شروع به کارش بود گفت: «آنها یک دولت بدهکار به جا گذاشتند که در برخی آمارها گفته می‌شود (!) 380 هزار میلیارد تومان بدهی دارد.»

جهانگیری در اشتباهی دیگر و در حالی که بانک مرکزی در دولت قبل، چند بار بدون اطلاع قبلی از بانک‌ها برداشت کرده بود، موضوع را کاملاً برعکس روایت کرد و افزود: «کسانی باید شرمند باشند که 17 هزار میلیارد تومان را ظرف یک ماه و نیم بدون مجوز از منابع بانک مرکزی برداشت کرده‌اند.»

و بالاخره در اوج این عصبانیت جمله‌ای که نباید می‌گفت را به زبان آورد که «کسانی باید شرمند باشند که فساد را در کشور نهادینه کردند: کسانی باید شرمند باشند که بابک زنجانی را درست کردند» و به یاد نیاورد بابک زنجانی از دست حسن روحانی جایزه گرفته و عکسی به یادگار و با لبانی خندان انداخته‌اند! به یاد نیاورد که بابک زنجانی برآمده از سیستم بیمار هاشمی رفسنجانی است و با او هم چند عکس یادگاری دارد و از دست او هم جایزه گرفته است! بابک زنجانی، راننده‌ای که در سیستم هاشمی میلیارد شد!

عباراتی را که می‌خوانید مصاحبه سی‌ام شهریور 1392 بابک زنجانی با نشریه زنجیره‌ای و اصلاح طلب آسمان (از رسانه‌های حزب زیر دست هاشمی یعنی کارگزاران) است. داستان پیدایش اقتصادی پدیده‌ای به نام زنجانی به حدود 20 سال پیش برمی‌گردد و دست‌پخت برخی معترضان امروزی است و نه صرفاً 2 سال پیش؛ این داستان را نباید تقطیع کرد و از وسط یا انتها خواند.

«زمانی که در پادگان ولی عصر تهران سرباز بودم، آقای هاشمی رفسنجانی برای بازدید به آنجا آمدند، گفتند تعدادی سرباز برای ریاست جمهوری، بانک مرکزی و جاهای مختلف انتخاب کنند. وقتی به عنوان سرباز به بانک مرکزی رفتم گفتند شما باید به عنوان راننده، آقای نوربخش را جابه‌جا کنید. حدود 5 ماه از سربازی‌ام مانده بود. من در دفتر آقای نوربخش کار ثبت نامه‌ها را انجام می‌دادم، بعد هم رانندگی آقای نوربخش را می‌کردم. بعد از خدمت ... آقای نوربخش 4-5 جا را انتخاب کرده بود و برای کنترل بازار به آنها دلار می‌داد تا در بازار پخش کنند. دلار 300 تومان بود و همه می‌گفتند دلار می‌خواهد هزار تومان شود. مردم می‌رفتند شب تا صبح در صف بانک‌ها می‌خوابیدند تا دلار بگیرند و در بازار بفروشتند. آقای نوربخش به من گفت شما هم بیا در این مجموعه‌هایی که دارند دلار تزریق می‌کنند و 4 یا 5 نفر بودند، کار کن. اولین روز 17 میلیون دلار ارز در بازار توزیع کردم و اولین کارمزد من هم 17 میلیون تومان (2 دهه پیش) بود. با آن پول هم یک دفتر در میرداماد (خیابانی که بانک مرکزی نیز همان جاست) خریدم. هر روز دلار می‌گرفتم و در بازار می‌فروختم... (درباره عکس با هاشمی و خاتمی و روحانی) من پیش این آقایان رفتم تا جایزه بگیرم... تا حالا سه چهار بار آقای هاشمی را از نزدیک دیده‌ام. بعد از انتخابات خدمت ایشان رفتم و توضیحی درباره کارهایم به ایشان دادم. بیشتر از 8 سال است که عکس ایشان در اتاقم هست.»

اکنون بهتر می‌توان همصدا با معاون اول رئیس جمهور شرمندگی دولت هاشمی رفسنجانی را فریاد زد.

شریک دزد و رفیق قافله!

اما همین جریان آلوده سیاسی که این روزها حرف‌های عوام‌فریب در حمایت از حقوق مردم و پاسداری از بیت‌المال می‌زنند، گاه سخنان جالبی گفته‌اند که در حافظه تاریخ ثبت است اما چون خودشان فراموش کرده‌اند، امروز 180 درجه مخالف همان حرف‌ها را می‌زنند و به روی مبارکشان هم نمی‌آورند که روزگاری، در همراهی از مفسدان و دزدها از هم سبقت می‌گرفتند و برای آنها آه و ناله سر می‌دادند و اشک می‌ریختند! به عنوان نمونه، صادق زیباکلام این جملات را در دفاع از مه‌آفرید خسروی متهم اول فساد 3 هزار میلیارد تومانی که با چمدان‌های رشوه پر از پول مشغول آلوده‌سازی اقتصادی بود، عنوان کرده است: «او نه تنها جرمی مرتکب نشده بلکه باید به وی نشان لیاقت داد» اما در عمل وی به اعدام محکوم شده است. دادگاه سیاسی بود و برای ارضای افکار عمومی. مه‌آفرید خسروی بیش از یک دهه تلاش شبانه‌روزی کرده و توانسته با راه‌اندازی 22 شرکت، 17 هزار نفر را حقوق‌بگیر کند. او دارای توان بالای مدیریتی در حد بیل گیتس و استیو جابز است و اساساً روح کارآفرینانی از این دست، از زد و بند و اختلاس و کارهای خلاف بری است. او بزرگ‌ترین خدمات را به اقتصاد کشور کرده است.» می‌بینید که اعطای مدال لیاقت به دزدها و گردنه‌گیران و غارتگران بیت‌المال، در خون این جریان است و افزون بر آنکه هاشمی و روحانی از زنجانی تجلیل کردند، زیباکلام تقاضای نشان لیاقت برای یک مفسد فی‌الارض و تروریست اقتصادی می‌کند! شاید حالا بهتر بتوان فهمید که چرا این شخص جزو 10 نفر اول تأمین‌کننده تیترا و مصاحبه‌ها و تحلیل‌های تمام نشریات زنجیره‌ای است!

آمار و ارقامی که شرمنده‌ها را

بهتر نشان می‌دهد

پس از این سخنان، احمد توکلی در نامه‌ای به اسحاق جهانگیری با برشمردن برخی آمار و ارقام تلخ و ناراحت‌کننده خطاب به وی نوشت: «برادر جهانگیری، به خاطر وضع مردم و دو بسته سیاستی ضد‌رکود شما که دردی را دوا نکرده، من شرمندهم شما چطور؟

اگر دولتی به مردم خویش وعده‌هایی داد ولی در عمل آن وعده‌ها لباس تحقق نپوشید، باید احساس سرافرازی کند یا احساس شرم به وی دست دهد و ابراز شرمندگی نماید؟ فکر نمی‌کنم پاسختان با جواب من که احساس شرمندگی را حق و ابراز آن را وظیفه می‌دانم، تفاوتی داشته باشد. ... فقر ناشی از رکود آغاز شده در گذشته و تشدید شده در دولت تدبیر و امید کارتن‌خوابی را به زنان تعمیم داده، سن ازدواج را بالا برده و نرخ طلاق را افزوده و... و دو بسته سیاستی ضد رکود شما نیز دردی را دوا نکرده است. من با برخی از دوستانم چه در دولت پیشین و چه در دولت فعلی همواره دلسوزانه انتقاد همراه با راه‌حل داشته‌ایم، با این وجود، از این وضعیت شرمنده هستیم. شما را نمی‌دانم!

شما آمده‌اید که تحولی در رفتار و سیاست و عملکردهای گذشته ایجاد کنید، نه آن که به بهانه اینکه عده‌ای در دولت گذشته کارهای آن دولت را تحمل می‌کردند، اولاً به کسی حق ندهید اگر دولت شما کار مشابهی کرد، انتقادی بکند، ثانیاً فقط لطمات دولت پیشین را ذکر کنید و خدماتش را به کلی ناگفته بگذارید، و ثالثاً، کاری را از آنان بد بدانید و مستوجب شرمندگی و اعتذار ولی اگر خودتان مبتلا شدید سرافرازی کنید. فقط یک نمونه آمار رسمی نشان می‌دهد که طی 27 ماه (دو سال و 3 ماه از تابستان 1392 تا پاییز 1394) از عملکرد این دولت، نه تنها به طور خالص شغلی ایجاد نشده، بلکه هر ماه 5352 ایرانی شغل‌شان را از دست داده‌اند! با توجه به وعده‌های مکرر رونق و ناکامی بسته‌های سیاستی دولت که این وضعیت تلخ نشانی از آن است، شرمندگی شایسته است، نه فرا افکنی.»

اکنون باید دید دولتمردان دولت یازدهم، با این پرونده پر از خالی اقتصادی و با این اوضاع آشفته و رکود حاکم بر تولید، همچنان خود را فرشته نجات مردم می‌دانند و ترجیح می‌دهند به همه به جز خودشان حمله کنند یا شرمنده می‌شوند به خاطر بابک زنجانی‌ها، به خاطر رکود، به خاطر کوچک‌تر شدن سفره مردم، به خاطر بیکاری فزاینده مردم، به خاطر اینکه به گفته وزیر کار هر دقیقه یک ایرانی بیکار می‌شود، به خاطر تعطیلی هزاران واحد تولیدی و بیکار شدن هزاران نیروی کار، به خاطر تعطیلی کامل پروژه‌های مسکن و ناامید شدن میلیون‌ها خانوار و بیکار شدن هزاران تن از مردم، به خاطر....

اکنون همه با آقای جهانگیری موافقت که «کسانی باید شرمنده باشند که بابک زنجانی را درست کردند.»